خبرها

مرخصی ساعتی موسوی خوئینی به جای آزادی

گروه سیاسی: علی‌اکبر موسوی خوئینی جمعه‌شب در پی درگذشت پدرش، با دستور مقام قضایی، چند ساعت به مرخصی آمد و سپس به زندان بازگشت. به گزارش ایسنا سهراب سلیمانی مدیرکل زندان‌های استان تهران نیز در این خصوص به ایسنا گفت: به دنبال فوت پدر موسوی خوئینی و درخواست خانواده وی برای حضور او در مراسم تشییع، اقدامات اداری برای اعزام به مرخصی این زندانی انجام گرفت. وی افزود: پس از طی مراحل قانونی و اداری و صدور دستور مقام قضایی، وی جمعه‌شب به‌صورت تحت‌الحفظ به مرخصی رفت و صبح روز بعد به زندان بازگشت. محمود سالارکیا نیز که صبح روز جمعه از تبدیل قرار و آزادی مهندس موسوی خبر داده بود روز گذشته در گفت‌وگو با ایلنا با بیان اینکه موسوی خوئینی جمعه‌شب برای ساعاتی به مرخصی آمد گفت که جمعه‌شب برای شرکت در مراسم سوگواری پدرش به موسوی خوئینی مرخصی ساعتی اعطا شد. وی درخصوص تبدیل قرار بازداشت موسوی خوئینی گفت: هنوز قرار بازداشت وی تبدیل نشده است اما صحبت‌هایی در این زمینه صورت گرفته که هنوز صحت و سقم آن مشخص نیست.

تصویب رهبری برای تاخیر یک‌ماهه انتخابات

ایرانیوز: سیداحمد خاتمی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درخصوص لایحه نظام جامع انتخابات اظهار داشت: این لایحه برای کشور مفید بوده و به نفع اساس انتخابات در آینده منجر خواهد شد. او با بیان این که کلیت این لایحه را مفید می‌دانم، ادامه داد: این لایحه در دولت‌های گذشته هم مطرح بوده ولی تاکنون به آن توجه نشده بود ولی در دولت جدید پیگیری شد. وی درخصوص تجمیع انتخابات با اشاره به این نکته که این امر منجر به صرفه‌جویی خواهد شد، افزود: همین صرفه‌جویی هم به نفع نظام است و هم به نفع مردم. خاتمی در ادامه درخصوص بند دیگر این لایحه در رابطه با کاندیداهای ریاست‌جمهوری گفت: آن روندی که در گذشته با کاندیداهای ریاست‌جمهوری بود قابل دفاع نیست زیرا هر کسی که دلش می‌خواست با هر سوادی برای ثبت‌نام می‌آمد. خاتمی همچنین درخصوص تاخیر برگزاری یک‌ماهه انتخابات، اظهار داشت: این تاخیر یک‌ماهه، چون به تصویب مقام معظم رهبری رسید، باید همه اطاعت کنند. وی افزود: ما ولایت مطلق فقیه را پذیرفتیم و تا جایی بحث و بررسی می‌کنیم که رهبرمان نظر صریح نفرمایند ولی وقتی ایشان موافقت کردند دیگر هیچ جای بحث و بررسی نمی‌ماند و همه باید اطاعت کنند.

نشانه‌های مثبت در سخنان میردامادی دیدیم

ایسنا: کمال سجادی سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری تصریح کرد که این جبهه درصدد است با نظرات تشکل‌های اصولگرا فهرستی را برای انتخابات خبرگان تهیه کند و به جامعتین بدهد که هنوز نهایی نشده است.

وی با بیان این که اعضای ستاد هفت نفر تعیین شده‌اند، گفت: آقای غفوری‌فرد به عنوان رئیس، رئوفیان، دکتر شریفی، مهندس امیری و بنده به همراه یک نفر از سه خانم بهروزی، افتخاری و دبیرکل جامعه پیروان زینب(س)، به عنوان اعضای ستاد انتخابات جبهه مشخص شدند که اعضای نهایی در جلسات آینده معرفی می‌شوند. سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری با بیان این که مردم دولت نهم را انتخاب کرده‌اند، تصریح کرد: تضعیف دولت، تضعیف نظام به حساب می‌آید و به صلاح نیست. اظهارات دبیرکل سابق حزب مشارکت نیز به نقد و بررسی نیاز دارد، زیرا آنها با ادبیاتی با مردم صحبت می‌کنند که گویا در جامعه ایران حضور ندارند. سجادی گفت: البته ما علامت‌های مثبتی در اظهارات آقای میردامادی مشاهده کردیم که امیدواریم در جهت وحدت ملی اقداماتی را صورت دهد.

دادگاه یکی از بازداشت‌شدگان تجمع روز جهانی کارگر

ایلنا: جلسه رسیدگی به اتهامات برهان دیوارگر، از بازداشت‌شدگان تجمع روز جهانی کارگر سال ۸۳ در شهرستان سقز صبح دیروز در شعبه اول دادگاه انقلاب سقز برگزار شد. محمد شریف وکیل مدافع دیوارگر با اعلام این مطلب، اتهام موکلش را اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرم عنوان کرد. در عین حال بنابه اظهار دادگاه موکلم مبادرت به خروج غیر قانونی از مرز کرده است که در این خصوص نیز دفاع لازم صورت گرفت در حالی که به اعتقاد بنده رسیدگی به این اتهام در این پرونده موضوعیت نداشت.

اسدالله بیات: تحولات به نفع جریان اصلاحی است

ایسنا: آیت‌الله «اسدالله بیات» با تاکید بر این که روند تحولات به نفع جریان اصلاحی است، گفت: همه تلاش‌ها باید معطوف به این باشد که تیپ فکری متحجرانه و مخالفان با اهداف امام(ره) نتوانند خبرگان را در دست گیرند. وی که در مراسم دعای توسل با حضور جمعی از مدیران دولت اصلاحات در زنجان حضور یافته بود، طی سخنانی با اشاره به این که مشکلات کنونی کشور منشاء داخلی دارند نه بیرونی، گفت: من به تئوری توطئه اعتقادی ندارم و از این رو ریشه مسائل و مشکلات به وجود آمده در کشور را داخلی می‌دانم، البته این مسائل از قبل قابل پیش‌بینی بود و من در دیدارهایی که در ایام انتخابات و پیش از آن داشتم، آنها را به دوستان اصلاح‌طلب تذکر داده بودم. وی در ادامه سکوت یک سال گذشته اصلاح‌طلبان را نه از سر انفعال، بلکه مبتنی بر استراتژی عقلانی دانست و گفت: در شرایطی که دولت نهم در دوره حکومت خود قرار دارد و گلایه و انتقاد حمل بر چوب لای چرخ گذاشتن می‌شود، در عین حال نمی‌توان از کنار واقعیت‌های تلخ به سادگی گذشت.

سلیمی نمین به دادگاه می‌رود

ایرانیوز: دادگاه رسیدگی به شکایت گروه انصار حزب‌الله از عباس سلیمی‌نمین مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران امروز در مجتمع قضایی شهید بهشتی برگزار می‌شود. «انصار حزب‌الله» در پی صدور اطلاعیه‌ای بعد از مشخص شدن نتیجه انتخابات نهم ریاست جمهوری مورد انتقاد برخی صاحبنظران سیاسی کشور از جمله مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران قرار گرفت. در طول سال گذشته به دنبال طرح دعوی محتشم دبیر انصار حزب‌الله ایران عباس سلیمی‌نمین سه نوبت در دادسرای ویژه کارکنان دولت حاضر شده و مورد بازپرسی قرار گرفته است. در نهایت شعبه ۱۰۵۷ مجتمع قضایی شهید بهشتی امروز یکشنبه در ساعت ۱۱ صبح به این پرونده رسیدگی می‌کند.

پاسخ عباس سلیمی‌نمین به بنی‌اسدی در مورد نظرات ابراهیم یزدی

نظریه‌هایی که با تاریخ انقلاب در تعارض است

با سلام، انتشار یادداشت جناب آقای بنی‌اسدی در مورد نظرات جناب آقای ابراهیم یزدی و نیز نقد اینجانب در روزنامه شرق مورخ ۳۰ خرداد فرصت بیشتری را فراهم آورد تا در زمینه انضباط‌بخشی به روایت‌گری تاریخ معاصر به چارچوب‌ها و اصول کلی مورد نیاز برای جلوگیری از «تاریخ‌پردازی» نزدیک‌تر شویم. بدین منظور ارائه توضیحات جدیدی را ضروری می‌بینم:

۱- مناسب‌تر آن بود تا مسیر رفت و برگشت بحث‌ها را با انتقال پیام‌های مع‌الواسطه، دشوارتر و محتوای آن را غامض‌تر نسازیم: «در این مورد آقای دکتر یزدی به اینجانب (آقای بنی‌اسدی) چنین توضیح دادند که بحث تجربه کوبا شد نه در کوبا، بلکه در تهران توسط آقای اسکیول یکی از وزرای دولت کوبا و رئیس هیات نمایندگی اعزامی کوبا به ایران بعد از انقلاب اسلامی در اسفند (۵۷) یا فروردین ۱۳۵۸ مطرح شده بود و ایشان همان زمان موضوع را در یکی از جلسات روزهای جمعه جوانان عنوان کرده بودند.» (روزنامه شرق، جهاد سازندگی، از جنبش تا نهاد، محمدحسین بنی‌اسدی، ۸۵/۳/۳۰، ص ۴)

در ارتباط با این توضیحات جناب آقای یزدی که با واسطه در اختیار خوانندگان قرار گرفته باید گفت: اولاً اظهارات ایشان در این زمینه با وضوحی قابل فهم برای همگان عنوان شده بود: «بعد از برگشت از کوبا تجربه کوبا در بسیج جوانان و اعزام آنان به روستاها و مشارکت در بازسازی و نوسازی روستاهای کوبا را در جلساتی که روزهای جمعه با جمعی از جوانان انقلابی در دفتر نخست‌وزیری داشتیم مطرح ساختم. از درون این مباحث طرح جهاد سازندگی تهیه و به رهبر فقید انقلاب پیشنهاد شد که مورد تائید ایشان قرار گرفت و بیانیه آن تهیه شد. با انتشار آن جهاد سازندگی رسماً آغاز به کار کرد.» (فانتزی انقلابی، ابراهیم یزدی، سالنامه شرق، شماره ۲، سال ۸۴، ص ۱۹)

بنابراین سخن از تجربه کوبا در کوبا است و نه در ایران، لذا چگونه است که جناب آقای بنی‌اسدی توضیح جدید ایشان را قانع‌کننده یافته و به عرضه آن مبادرت ورزیده است؟ در ثانی وزیر امور بین‌الملل کوبا در اسفند ۵۷ یا فروردین ۵۸ به ایران سفر نکرده بلکه وی در اردیبهشت ۵۸ برای انتقال پیام کاسترو به امام به ایران آمده است. (روزنامه کیهان، ۵۸/۲/۵) در حالی که براساس روایت آقای بنی‌اسدی: «در فروردین ۱۳۵۸ عصرهای جمعه جلساتی با شرکت دانشجویان در نخست‌وزیری تشکیل می‌شد و مسائل مهم کشور و چگونگی مشارکت جوانان در حل مسائل مذکور از جمله عمران و رفع محرومیت از روستاها مطرح می‌شد.» (روزنامه شرق، جهاد سازندگی، از جنبش تا نهاد، محمدحسین بنی‌اسدی، ۸۵/۳/۳۰، ص ۴) لذا توضیح دوم آقای یزدی نیز نمی‌تواند قابل پذیرش باشد. اگر اندیشه رفع محرومیت از روستاها در قالب جهاد سازندگی در فروردین‌ماه شکل گرفته باشد چگونه در اردیبهشت‌ماه آقای یزدی بعد از ملاقات با وزیر کوبایی تازه به صرافت این موضوع می‌افتد و آن را به عنوان تجربه‌ای کوبایی به جلسات روز جمعه دانشجویان منتقل می‌سازد.

البته جناب آقای بنی‌اسدی در ادامه توضیحات خود به درستی اشاره می‌کند که حتی دانشجویان فعالیت عملی خود را نیز در این تاریخ یعنی فروردین ۵۸، در این زمینه آغاز کرده بودند: «همان‌طوری که اشاره شد جوانان پر از شور و هیجان و آماده برای فداکاری و ایثار در راه کمک به همنوعان در هر زمینه از جمله رفتن به نقاط دورافتاده و محروم کشور و همکاری و مشارکت در عمران و بهبود زندگی هموطنان بودند و احتمالاً حرکاتی را نیز در این راستا به طور پراکنده صورت داده بودند. معاونت نخست‌وزیر در امور همکاری‌های مردمی در این دوره که تقریباً از اوایل اردیبهشت ۱۳۵۸ آغاز می‌شد تهیه طرح‌های مختلفی را برای تغییر و تحول و سازماندهی با همکاری و مشارکت مستقیم جوانان و مردم تهیه کرد.» (همان) در جهت تائید فرمایشات آقای بنی‌اسدی یادآوری این نکته نیز ضروری است که حتی شاخه جوانان حزب جمهوری اسلامی در فروردین‌ماه فعالیت‌هایی را تحت عنوان «جهاد روستا» آغاز کرده بود. ثالثاً: اصرار آقای یزدی برای ابداع روایت‌های مختلف به منظور تجربه کوبایی نشان دادن تشکیل این نهاد (اگر در هاوانا نشد در تهران) چندان قابل درک نیست و همین پافشاری همراه با تعارضات برای خواننده قابل تامل خواهد شد.

۲- بحث اصلی آقای یزدی در مقاله «فانتزی انقلابی» و مصاحبه تفصیلی متعاقب آن، طرح نظریه‌ای مبنی بر اختصاص داشتن نقش مهندسی در انقلاب اسلامی به روشنفکران به ویژه دینی و بسیج توده‌ها به روحانیون بود. متاسفانه جناب آقای بنی‌اسدی از ورود به بحث اصلی پرهیز نموده و صرفاً ترجیح داده‌اند به مصادیقی بپردازند که آقای یزدی برای اثبات این نظریه خود ارائه نموده بود: «در انقلاب اسلامی ایران، روحانیون نقش بسیج مردم را داشتند. اما روشنفکران به خصوص روشنفکران دینی که به شرایط پیچیده جامعه کنونی و روابط جهانی آشنایی دارند، نقش مهندسی انقلاب را بر عهده داشتند.» (مقاله فانتزی انقلابی، سالنامه شرق، شماره ۲، سال ۸۴، ص ۱۹) ایشان در میان مصادیق نیز از بحث «سنتو» درمی‌گذرند. در حالی که آقای یزدی در این زمینه مدعی شده بود: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی هنگامی که به وزارت خارجه منصوب شدم اولین گام اعلام تصمیم دولت ایران در خروج از پیمان سنتو بود.» (همان) اما باید دانست که اعلام خروج ایران از سنتو، در سال ۵۷ اتفاق افتاد و نه در سال ۵۸ و آقای یزدی نیز در اعلام آن هیچ گونه نقشی نداشت. آقای بنی‌اسدی در مورد مبتکر تاسیس جهاد سازندگی بودن آقای یزدی می‌گوید: «مسلماً آقای یزدی به علت گذشت زمان دچار سهو یا اشتباهی درباره تاریخ تشکیل جهاد سازندگی و ارتباط آن با مسافرت ایشان به کوبا شده‌اند.» (روزنامه شرق، جهاد سازندگی، از جنبش تا نهاد، ۸۵/۳/۳۰، ص ۴) و در فرازی دیگر ادامه می‌دهد: «جناب آقای عباس سلیمی نمین در پاسخ به آقای دکتر یزدی در روزنامه شرق، مورخ ۸۵/۲/۲ اشتباه قابل اغماضی که آقای یزدی در تاریخ اتفاقات و جزئیات وقایع کرده‌اند را پایه و مبنایی قرار داده‌اند تا کل شکل‌گیری اندیشه جهاد سازندگی و نقشی را که ایشان و دولت موقت در ایجاد و راه‌اندازی آن داشتند مورد تردید قرار دهند.» (همان)

اینجانب هرگز قصد نادیده گرفتن نقش دوستان نهضت آزادی در رخدادهای انقلاب را ندارم بلکه در نقد اول نیز عنوان داشتم: «در تاریخ مبارزات و خیزش اسلامی سراسری ملت ایران که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی دارای خدمات و بعضاً خطاهایی بوده‌اند. اگر به دلیل کثرت خطاها، برخی گروه‌ها از کانون توجه و اعتماد مردم خارج شدند، نمی‌بایست در نگارش تاریخ معاصر آنها را نادیده گرفت تا آنان برای مقابله با این افراط به وادی تفریط افتند و برای اثبات خود به طرح ادعاهایی بپردازند که با مسلمات تاریخ معاصر کشور در تعارض است.» بنابراین واقعیت‌ها را می‌بایست همانگونه که رخ داده‌اند در تاریخ به ثبت رساند و شایسته نیست به قصد کوچک‌نمایی یا بزرگ‌نمایی نقش دیگران و خود در تاریخ به طرح نظریه‌هایی بپردازیم که با واقعیت‌های تاریخی مطابقت ندارد.

۳- جناب آقای بنی‌اسدی به منظور تقویت روایت خود از چگونگی تشکیل جهاد سازندگی می‌نویسد: «تا آنجا که به یاد دارم و می‌دانم آقای مهندس امان‌پور از شرکت‌کنندگان جدی و پیگیر جلسات روزهای جمعه در نخست‌وزیری و همچنین آقای سیدجعفر مرعشی بودند.» (همان) در این زمینه یادآور می‌شوم توضیحات آقای مهندس امان‌پور به یادداشت آقای بنی‌اسدی (که رونوشت آن برای اینجانب نیز ارسال شده) نه تنها تقویت‌کننده و موید روایت ایشان نیست بلکه مغایر روایت هر دو عزیز عضو دولت موقت است. آقای امان‌پور در این زمینه می‌نویسد: «تحلیل نهایی همه گروه‌های اعزامی (اعزام دانشجویان به مناطق محروم که از اسفند ۵۷ آغاز شد) آن بود که اثربخشی فعالیت‌های سیاسی فرهنگی در شرایط فقر و توسعه‌نیافتگی به خصوص در مناطق روستایی و محروم محدود است و باید چاره‌اندیشی اساسی بشود که جمع‌بندی نظرات منجر به تهیه طرحی به عنوان تشکیل نهضت جهاد سازندگی گردید که اساس آن مشارکت نهضت دانشجویی در آن به ویژه در قالب تشکیل اردوهای سازندگی در تابستان ۵۸ در مناطق روستایی کشور بود. این طرح طی اردیبهشت‌ماه ۵۸ به نظرخواهی دانشگاه‌های تهران و سپس سراسر کشور گذاشته شد و پس از جلب موافقت مدون و از طریق آقایان رضا افشار و توسط شهید بهشتی به محضر مبارک امام تقدیم شد. تعبیر شهید بهشتی آن بود که امام با ملاحظه طرح انگار گمشده‌ای را یافته و آن را بسیار میمون و مبارک خواندند و فرمودند بروید و مقدمات را یک‌ماهه آماده کنید، برای تاسیس جهاد فرمان صادر خواهم کرد. سعی شود همه امور قبل از صدور فرمان سازماندهی شود. در همین فاصله مسائل با نخست‌وزیر هم مطرح و در نخست‌وزیری نیز گروهی روی تشکیل چنین حرکتی کار می‌کردند.» ایشان در ادامه نوشتار خود یادآور می‌شود: «هر چند دولت موقت و همه کارگزاران دست‌اندرکار به سهم خود در کمک به جهاد سازندگی تلاش نمودند که عندالله ماجور خواهند بود اما باید توجه داشت که نوع تفکر و انتظارات نهضت دانشجویی و موسسان جهاد سازندگی با نوع تفکر و توقع آنها از این حرکت متفاوت بود. به همین دلیل جهاد سازندگی محدود به تشکیل چند اردوی ساده دانشجویی در تابستان ۵۸ نشد بلکه خود نهضت بزرگ و عظیمی برای سازندگی شد.» روایت جناب آقای بنی‌اسدی، هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ محتوایی با روایت آقای امان‌پور تطبیق نمی‌کند: «طرح را... در جلسه‌ای با حضور مرحوم سیداحمد خمینی و آقای دکتر ابراهیم یزدی خدمت امام (ره) ارائه و پیام مختصری که روی یک صفحه تایپ شده بود همراه توضیحات تقدیم ایشان شد.» (روزنامه شرق، جهاد سازندگی از جنبش تا نهاد، محمدحسین بنی‌اسدی، ۸۵/۳/۳۰، ص ۴) از آنجا که چگونگی تشکیل جهاد سازندگی بحث محوری ما نیست برای جلوگیری از اطاله کلام، خوانندگان محترم را برای دریافت حقیقت به تامل در یادداشت آقای امان‌پور که به گواه آقای بنی‌اسدی از جمله عناصر محوری در تشکیل جهاد بوده‌اند دعوت می‌نمایم.

۴- بحث محوری اینجانب با آقای دکتر یزدی در نقد اول و دوم، بررسی ادعای ایشان در مورد داشتن نقش مهندسی انقلاب اسلامی بود. در جوابیه اول با یادآوری این نکته که «صرف‌نظر از صحت و سقم چنین نظریه‌ای که البته در ضرورت پرداختن به آن برای روشن شدن حقیقت هیچ گونه تردیدی نیست» این بررسی را به فرصتی دیگر موکول کردم و صرفاً به بررسی مصادیقی پرداختم که قرار بود نظریه طرح شده را به اثبات برساند. جناب آقای بنی‌اسدی در توضیحات خود اصولاً ترجیح داده‌اند به ادعای آقای یزدی در مورد نحوه خروج ایران از پیمان سنتو (که کاملاً خلاف واقع بود) نپردازند و در مورد چگونگی تشکیل جهاد سازندگی به طرح روایتی پرداخته‌اند که هیچگونه ارتباطی با بحث اصلی من با آقای یزدی ندارد. ظاهراً ایشان تصور کرده‌اند که اینجانب قصد نادیده گرفتن فعالیت‌های آقایان را در اول انقلاب داشته‌ام و با این باور مشروحاً گزارش کاری را در مورد طرح جهاد سازندگی ارائه کرده‌اند حال آنکه بررسی ادعای آقای یزدی نگاه کلان‌تری را از توقف در مصادیق طرح شده می‌طلبد. حتی اگر مصادیق مطرح شده کاملاً دقیق و صحیح بود، ایفای نقش ایشان در لغو عضویت ایران در پیمان سنتو، تشکیل جهاد سازندگی و... نمی‌توانست این نظریه ایشان را قابل قبول سازد که روشنفکران به‌ویژه روشنفکران دینی در انقلاب اسلامی نقش مهندسی و امام نقش اجرایی کردن این مهندسی را برعهده داشته‌اند. چنانکه در نقد دوم خویش یادآور شدم مهندسی یک تحول عظیم سیاسی چون انقلاب اسلامی علی‌القاعده بدین معنی است که مسیر حرکت و جهت‌گیری‌های آن طراحی شود. خیزشی که به رهبری امام از خرداد ۴۲ در اوج یأس و انفعال سیاسی ملیون آغاز شد به اعتراف همگان دو ویژگی بارز داشت: ۱- بعد مقابله با سلطه بیگانه (وجهه ضدامپریالیستی) ۲- بعد ضدیت با سلطنت محمدرضا پهلوی (براندازی استبداد). همان طور که اشاره رفت مواضع مکتوب ملیون و روشنفکران دینی مد نظر آقای یزدی در دوران آغاز نهضت امام و میزان فعال بودن آنان اکنون در دسترس محققان و پژوهشگران قرار دارد. لذا از یک سو سهولت غیر هم‌سنخ بودن مواضع آنان با مواضع امام و به طور کلی مهندسی انقلاب اسلامی قابل احصا است و از سوی دیگر میزان قدرت سیاسی ایشان برای تاثیرگذاری بر خیزش مردمی آغاز شده کاملاً روشن است. «نجف دریابندری: من در سال‌های اول بعد از مرداد ۳۲ در زندان بودم و طبعاً از جو بیرون تجربه دست اولی نداشتم و اما جو دوران زندان که عده زیادی از روشنفکرهای چپ و کمتری هم از عناصر ملی آنجا بودند، جو بهت‌زدگی و شکست و تفرقه بود. در اواسط سال ۳۷ که من بیرون آمدم فضای جامعه را به کلی غیر از آن دیدم که قبلاً بود. در این فاصله سیل درآمد نفت در جامعه جاری شده بود و بیشتر روشنفکران آرمان‌های سیاسی و اجتماعی را کنار گذاشته بودند و سرگرم زندگی پرمصرف و اندوختن ثروت بودند، عده کمی هم نتوانسته بودند خودشان را با وضع جدید منطبق کنند. گرفتار الکل و بدتر از الکل شده بودند.» (تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش عمادالدین باقی ص ۲۳۳) شاید این روایت به خوبی وضعیت نیروهای ملیون را روشن ساخته باشد و ما را بی‌نیاز از بررسی تفصیلی این موضوع با بهره‌گیری از خاطرات آقای دکتر سنجابی و دیگر شخصیت‌های مربوط به روشنفکران دینی و غیردینی مد نظر آقای دکتر یزدی نماید. حتی در صورت فعال بودن این جریانات در آن ایام اصولاً گروه‌هایی چون جبهه ملی و نهضت آزادی نه داعیه مبارزه ضدامپریالیستی داشتند و نه قائل به براندازی رژیم سلطنتی بودند بنابراین نمی‌توانستند در «مهندسی» آنچه تحت عنوان انقلاب اسلامی به وقوع پیوست کمترین نقشی ایفا کرده باشند. آقای یزدی خود معترف است عدم اعتقاد به این مبانی انقلاب اسلامی تا سال‌های ۵۶ و ۵۷ همچنان مشهود بوده است: «... موضوع در واقع تعبیری بود از شعار معروف «شاه سلطنت کند نه حکومت.» این شعار و خواسته در دوران خاصی از مبارزات ملت ایران توسط مرحوم دکتر مصدق و ملیون مطرح شده بود و در آن شرایط شعار مترقی و پیشرو و منعکس‌کننده شرایط همان دوران بود... طرح چنین شعاری در سال‌های ۵۶ و ۵۷ نمی‌توانست قابل قبول باشد و لذا طبیعی بود که طرح آن موجبات نگرانی‌ها را فراهم آورده و به عنوان یک شعار و یا تز انحرافی که هدفش نجات سلطنت از بحران موجود است، تلقی شود.» (آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها، ابراهیم یزدی، انتشارات قلم، ص۳۲) آقای دکتر یزدی در زمان نگارش این کتاب به این واقعیت اذعان دارد که موضع ملیون و نهضت آزادی در سال‌های ۵۶ و حتی ۵۷ به نوعی در راستای حفظ سلطنت بوده است. اکنون بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از انقلاب چرا تصور می‌شود که می‌توان جریاناتی را که در حفظ سلطنت حرکت می‌کرده‌اند به عنوان مهندسین انقلاب اسلامی جلوه‌گر ساخت «... آن وقت (سال‌های ۵۶ و ۵۷) راجع به اینکه خط مشی در برابر شاه و آمریکایی‌ها در دنیا چه باشد، آن موقع نظر غالب اشخاص که اهل انقلاب و از این حرف‌ها بودند همان نظر سنگر به سنگر بود- که حالا من را می‌کوبند و می‌کوبند! وقتی که شریف امامی نخست‌وزیر بود با استفاده از حقوق بشر کارتر واقعاً آزادی‌هایی داده شده بود و امکان این بود که دو نفر دور هم جمع شوند و حرف بزنند و مردم هم بیایند و گوش کنند. دولت هم مقدار زیادی جلو آمده بود شاه از سال شاهنشاهی صرف‌نظر کرده بود. مطبوعات را آزادی داده بودند و چند کار بود که شریف امامی کرده بود. آنجا به عقیده بعضی از دوستان نظر این بود که موقعیت طوری است که ما می‌توانیم از این امکانات استفاده کنیم پوزیسیون خود را محکم کنیم و بعد یک حمله مجدد. یعنی به تدریج عمل بشود. آن وقت چگونه به تدریج عمل بشود؟ یکی از راه‌هایش مثلاً انتخابات بود. آن وقت بحث روی انتخابات بود که ما شرکت بکنیم یا نکنیم؟ عقیده ماها - نهضت آزادی و سایرین- این بود که انتخابات یک مائده الهی است. دولت وقتی به مرحله‌ای رسید که می‌گوید می‌خواهیم آزادی انتخابات بدهیم چه بهتر از این؟ اول کاری که ما می‌کنیم به دولت خواهیم گفت اگر راست می‌گویی و انتخابات آزاد است باید اجازه بدهی که ما باشگاه داشته باشیم یا می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر داد این باشگاه وسیله‌ای می‌شود که ما دور هم جمع شویم. اگر نداد همان‌جا مچش را می‌گیریم و می‌گوییم پس تو دروغ می‌گویی. وقتی که باشگاه داد آن وقت می‌گوییم خیلی خوب، آزادی انتخابات است اجازه بده ما هم کاندیدا بدهیم. وقتی ما کاندیدا بیرون دادیم مردم مسلماً به کاندیدای ملیون رای خواهند داد. ملیون مثلاً یعنی مخالفین و آن وقت روی کاندیداها می‌توانیم حرف بزنیم. دیگر چیست که آدم بگوید حالا یا انتخابات می‌شود و از این طرف یعنی جبهه مخالف حالا چه روحانی، چه ملی، چه نهضت آزادی، چه حزب فلان و... ده بیست نفری وارد مجلس می‌شوند و یا نمی‌شوند اگر نرفتند باز همین جا اینها را رسوا می‌کنیم. می‌گوییم آقای کارتر، آقای آمریکا حقوق بشرت دروغ است... (الخ) مقدمه خیلی خوبی است همین قدر در آزادی مطبوعات، آزادی دادگستری و آزادی محاکمات که شروع شده بود ایشان (امام) همان‌جا جلوی حرف بنده را گرفت...» (مصاحبه مهندس بازرگان با حامد الگار، مواضع نهضت آزادی، انتشارات نهضت زنان مسلمان، صص ۱۲۹-۱۲۷)

از نظر ملیون و روشنفکران دینی مد نظر آقای دکتر یزدی عدم تمکین «امام و مردم» به رفرم‌های ایجاد شده توسط آمریکا در ایران برای حفظ محمدرضا پهلوی گناه نابخشودنی در آن سال‌ها بود چرا که در دیدگاه این جریانات به دست آوردن چند کرسی در پارلمان نهایت مطالبات سیاسی به شمار می‌رفت در واقع ماهیت عملکردی براساس شعار شاه باید سلطنت کند و نه حکومت در اوج خیزش مردم برای در هم شکستن بساط سلطه و استبداد داخلی، چیزی جز حفظ معادلات حاکم شده بر ایران نبود. در حقیقت همانگونه که آقای یزدی نیز اذعان دارند این مواضع می‌توانست موجب نجات سلطنت از بحران ناشی از قیام سراسری ملت شود. همچنین تلاش این جریانات برای وادار ساختن امام به پذیرش دولت ائتلافی بختیار، واقعیتی کتمان‌ناپذیر در تاریخ ثبت شده کشورمان است. آقای یزدی در مصاحبه با روزنامه شرق معترف است که تلاش داشته امام را متقاعد سازد تا دولت بختیار را به رسمیت بشناسد: «گفتم با همین وزیر کشوری که بختیار دارد اعلام می‌کنیم. زیر نظر نظارت سازمان ملل رفراندوم می‌کنیم. مردم! سلطنت را می‌خواهید یا جمهوری؟» (یادنامه روزنامه شرق، ۸۵/۳/۱۰ ص ۱۵) بنابر این ایشان نیز نمی‌تواند با انتقاد از کسانی که در اوج قیام در جهت حفظ سلطنت گام برمی‌داشتند خود را از صف آنان جدا سازد زیرا با چنین پیشنهادی به امام که لازمه‌اش به رسمیت شناختن دولت بختیار بود کاملاً روشن می‌سازد که با مهندسی انقلاب اسلامی به چه میزان همراه بوده است.

اما در مورد جهت‌گیری محوری دوم انقلاب اسلامی یعنی مقابله با سلطه بیگانه بر کشور باید گفت جریاناتی که آقای یزدی تلاش دارد آنها را به‌عنوان معمار و مهندس انقلاب اسلامی معرفی کند اولاً واقعیتی به نام امپریالیسم را نفی کرده و آن را از القائات کمونیست‌ها می‌شناختند. آقای بازرگان در این زمینه می‌گوید: «ایران تجربه انقلاب را نداشت و اصلاً انقلاب یک ارمغان غرب و یک فرهنگ با سنت بیگانه برای ایران و مسلمانان است.» (انقلاب در دو حرکت، مهندس مهدی بازرگان، ص۸۴) و در فرازی دیگر در همین کتاب می‌افزاید: «بعد از پیروزی گام فراتری برداشته شد. شعار و ادعای در افتادن با تمامی بیگانگان و نابودی امپریالیسم و پنجه در پنجه آمریکا انداختن در سطح جهان، در برنامه انقلاب وارد شد، چیزی که در مکتب مارکس، در سیاست خارجی شوروی و در مرام احزاب کمونیست بین‌الملل، مقام شماره یک را دارد.» (همان، ص ۹۳) شاید تصور شود آقای بازرگان در بعد از انقلاب چنین موضعی را داشت و حاضر نبود در برابر خصومت‌های آمریکا ایستادگی کند. اما باید گفت ایشان در زمان حاکمیت مطلق این کشور بر ایران نیز سعی در پذیرش واقعیتی به نام سلطه آمریکا بر میهنمان را داشته است: «گفتم (به امام) یک فاکتور فرض کنیم ملت، ملت و روحانیت، راجع به اینها حرف نمی‌زنم خودتان بهتر می‌دانید و مردم هم دنبال شما هستند و از این حرف‌ها، فاکتور دوم شاه و دربار است. فاکتور سوم آمریکا و غرب است. ایشان طوری حرف می‌زد که یعنی اصلاً اینها را کان لم یکن می‌دانست دیگر من بقیه حرف‌هایم را نزدم، وقتی ایشان اصلاً نمی‌خواست حتی تا اینجا جلو رفتیم و گفتم بالاخره آمریکا خوب، بد، ولی اینها یک نوع واقعیتی است، یک چیزی است در دنیا حالا نه به لحاظ دوستی، به لحاظ دشمنی و ضرر رساندن... دیدم ایشان اصلاً وزنی و وزنه‌ای برای خودی و شاه قائل نیست... ایشان نه برای آمریکا ارزش و اثری قائل است و نه حاضر است متدیکمان کار شود...» (مصاحبه بازرگان با حامد الگار، مواضع نهضت آزادی، ص ۱۳۳) در آخرین فراز از این نوشتار مناسب خواهد بود به برخی تعارضات در مواضع آقای دکتر یزدی در مورد مرحوم بازرگان نظر افکنیم. همان‌گونه که اشاره شد آقای یزدی در کتاب «آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها» به صراحت از مشی کسانی که با پیروی از مواضع غیرمنطبق با اصول انقلاب نگرانی‌هایی را موجب می‌شدند، انتقاد می‌کند. آقای بازرگان علی‌القاعده با بحث‌های خود در پاریس با امام بیش از دیگران روشن ساخت که دارای گرایش‌های سیاسی اینچنین است (هر چند ایشان در پاریس متعهد شد خود را از این مواضع رها سازد) با این وجود آقای یزدی در مقام دفاع از جایگاه نهضت آزادی و جایگاه آن در انقلاب، به انتقاد از دیگر روشنفکرانی می‌پردازد که موضع حقی را به آقای بازرگان یادآور می‌شده‌اند: «وقتی روشنفکران با مهندس بازرگان برخورد می‌کنند، او را لیبرال و سازشکار می‌گویند، جایی برای مهندسی باقی نماند، قدرت مهندسی ما محدود شده بود.» (یادنامه شرق، گفت‌وگو با ابراهیم یزدی، ۸۵/۳/۱۰ ص ۱۵)

در صورت منطقی بودن انتقاد جناب آقای دکتر یزدی از مرحوم بازرگان که در سال‌های ۵۷ - ۵۶ با پیروی از شعار «شاه باید سلطنت کند و نه حکومت» (که براساس شواهد بسیار ایرادی غیرقابل کتمان و در واقع مروج مشی سازشکارانه‌ای بوده) اولاً نشان از آن دارد که اصولاً قدرت مهندسی در نزد آقایان وجود نداشته که بر اثر انتقادات سایر روشنفکران تضعیف شود. ثانیاً اگر مشی آقای بازرگان و نهضت آزادی همان بوده است که آقای یزدی به عنوان عضو همان تشکیلات آن را قابل انتقاد می‌داند چرا سایر روشنفکران نباید از آن انتقاد می‌کردند؟

به منظور احتراز از مطول شدن سخن یادآور می‌شویم که این‌گونه نظریه‌پردازی‌ها از آنجا که با واقعیت‌های مسلم مکتوب شده تاریخ کشورمان در تعارض است کمکی به روشن شدن نقش این قبیل جریانات روشنفکری در پیروزی انقلاب اسلامی نمی‌کند. در حالی که بدون شک در انقلاب عظیم ملت بزرگ ایران هر کس به حد توانمندی‌ها و فهم و درک سیاسی و آزادگی خویش سهمی داشت. مسلماً غلتیدن در وادی غلو و بزرگنمایی و نقش‌ها برای پوشش ضعف‌ها، نه تنها ما را به مقصد موردنظر نزدیک نمی‌سازد، بلکه بیش از گذشته ما را نزد افکار عمومی غیرقابل محاسبه و اعتماد خواهد ساخت.

خلاصه مقاله

۱- اصرار آقای یزدی برای ابداع روایت‌های مختلف به منظور تجربه کوبایی نشان دادن تشکیل این نهاد (اگر در هاوانا نشد در تهران) چندان قابل درک نیست.

۲- اینجانب هرگز قصد نادیده گرفتن نقش دوستان نهضت آزادی در رخدادهای انقلاب را ندارم.

۳- جناب آقای بنی‌اسدی در توضیحات خود اصولاً ترجیح داده‌اند به ادعای آقای یزدی در مورد نحوه خروج ایران از پیمان سنتو (که کاملاً خلاف واقع بود) نپردازند و در مورد چگونگی تشکیل جهاد سازندگی به طرح روایتی پرداخته‌اند که هیچگونه ارتباطی با بحث اصلی من با آقای یزدی ندارد. ظاهراً ایشان تصور کرده‌اند که اینجانب قصد نادیده گرفتن فعالیت‌های آقایان را در اول انقلاب داشته‌ام.

خبرها

عزت‌الله سحابی: امروز اگر مصدق بود اولویت را به دموکراسی می‌داد

ایلنا: عزت‌الله سحابی در پنجاه و سومین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد که به سقوط دولت دکتر محمد مصدق منجر شد، گفت: اگر امروز مصدق حضور داشت، تلاش برای استقرار آزادی و دموکراسی و ایجاد فضای باز سیاسی را که در آن هر کس بدون دغدغه بازداشت و تعقیب امکان اظهار نظر داشته باشد، اولویت کار خود قرار می‌داد. رئیس شورای فعالان ملی - مذهبی نظام سوسیال - دموکراسی موردنظر دکتر مصدق که مبتنی بر توسعه درون‌زا و ملی بود و نیز اقتصاد مستقل منهای نفت را، دستاوردهای دولت ملی دکتر مصدق خواند و اظهار داشت: اگر دولت دکتر مصدق می‌ماند، ما به یک اقتصاد ملی پیشرفته دست می‌یافتیم. اقتصاد ملی مصدق که اقتصاد منهای نفت نامیده شد، به این معنا بود که اقتصاد ایران بدون تکیه به نفت توسعه یابد. مصدق بعد از ماجرای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به سمت سوسیال - دموکراسی که یک توسعه درون‌زا و متکی بر نیروی انسانی بود، گرایش یافت که این نیز می‌توانست در صورت تداوم توسعه ایران را به همراه داشته باشد. وی منزوی شدن دربار محمدرضا شاه و استقرار آزادی را از اقدامات سیاسی دولت مصدق دانست و گفت: مصدق با آنکه قصد براندازی دربار و سلطنت را نداشت اما با اقداماتش دربار را در مقابل مردم منزوی و ماهیت آن را آشکار و روشن کرد که دربار بدون اتکا به قدرت‌های خارجی نمی‌تواند کاری انجام دهد. به اعتقاد سحابی، مصدق به آزادی احزاب و مطبوعات پایبند بود، در دوران دولت ملی بر احزاب فشاری وارد نمی‌شد، هیچ حزب و گروهی در خطر تهدید و انحلال قرار نداشتند و روزنامه‌ها بیم توقیف نداشتند. احزابی که در دوران دکتر مصدق فعال بودند اشتباهاتی داشتند، از جمله حزب توده بلافاصله بعد از کودتا طی دو رساله از خود انتقاد و بیان کرد که اشتباه کرده است. احزاب در صورت وجود آزادی باید احساس مسئولیت ملی کنند اما حزب توده و احزاب راست آن زمان، این احساس را نداشتند که این مسئله هم به شکست دولت ملی مصدق کمک کرد. رئیس شورای فعالان ملی - مذهبی با بیان اینکه کودتای ۲۸ مرداد با اصرار دولت چرچیل و با همکاری انگلیس و آمریکا انجام شد، اظهار داشت: کودتا به هر صورت انجام می‌شد اما شکست دولت ملی مصدق مسئله دیگری است که عوامل دیگری داشت. از مهمترین این عوامل انشعاب نیروهای ملی بود، اختلافات نیروهای ملی پشت دولت مصدق را خالی کرد و آن را در مقابل دربار و عوامل ضد نهضت ملی تنها گذاشت، بنابراین دولت مصدق دیر یا زود شکست می‌خورد حتی اگر کودتایی واقع نمی‌شد. وی پیشنهاد بانک جهانی در مورد خرید نفت ایران در دوران مصدق را که برخی پذیرش آن را مانع وقوع کودتا می‌دانند، خلاف منافع ملی ایران ارزیابی کرد و گفت: این پیشنهاد، دولت ایران و شرکت ملی نفت را دور می‌زد و معاملات نفت ایران را خودش انجام می‌داد و به این ترتیب دولت ایران از این معاملات حذف می‌شد. اگر دولت مصدق سقوط نمی‌کرد، ایران در مسیر پیشرفت قرار می‌گرفت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد درآمد نفت به دلیل قرارداد کنسرسیوم افزایش یافت اما این درآمد به جای آنکه صرف سرمایه‌گذاری و توسعه شود، صرف مصارف دیگر شد. اگر ملتی می‌خواهد به توسعه و ترقی برسد باید صرفه‌جویی و پس‌انداز کند نه مصرف. این مسئله‌ای است که امروز هم اتفاق می‌افتد و می‌بینیم که با وجود افزایش درآمد نفت، توسعه صنعتی و اقتصادی به وجود نمی‌آید و حتی کارخانجات با بحران ورشکستی مواجه می‌شوند.

محاکمه به جرم راه‌اندازی تلویزیون کابلی

ایلنا: جلسه رسیدگی به اتهامات علی‌اصغر خدایاری معاون اسبق دانشجویی و فرهنگی دانشگاه تهران صبح روز سه‌شنبه، چهاردهم شهریورماه سال جاری در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیان برگزار می‌شود. اتهام خدایاری در این پرونده، واردکردن تجهیزات ماهواره‌ای و راه‌اندازی تلویزیون کابلی و شاکی وی سازمان صداوسیما عنوان شده است.

جمعیت فدائیان اسلام در انتخابات آتی کاندیدا معرفی نمی‌کند

مهر: محمدمهدی عبدخدایی دبیرکل «جمعیت فدائیان اسلام» گفت که این جمعیت در انتخابات آتی کاندیدا معرفی نمی‌کند، اما به هواداران خود توصیه می‌کند به افراد اصلح در لیست احزاب و گروه‌ها رای دهند. محمدمهدی عبدخدایی اظهار داشت: جمعیت فدائیان اسلام در سال ۱۳۲۴ تاسیس شد و اکنون به صورت سمبلیک فعالیت می‌کند تا تاریخ معاصر توسط برخی افراد معاند دستخوش تحریف نشود. وی مشخصاً از «اعضای جبهه ملی و حزب توده و پیروان این گروه‌ها» به عنوان کسانی نام برد که «قصد دارند تاریخ کشور را دچار انحراف کنند» اما «فدائیان اسلام مانع فعالیت‌های آنها هستند». این فعال سیاسی افزود: بسیاری از اعضای ارشد فدائیان اسلام فوت کرده‌اند و جوان‌ترین عضو این جمعیت ۷۰ سال دارد که به صورت طبیعی این مجموعه نمی‌تواند مانند گذشته در امور سیاسی فعالیت کند، اما تحقق آرمان‌های آنها از سوی جوانان مسلمان پیگیری می‌شود.

رضا خاتمی: اصلاح‌طلبان معنای اصلاحات را مشخص کنند

ایسنا: محمدرضا خاتمی دبیرکل سابق جبهه مشارکت ایران اسلامی گفت: اصلاح‌طلبان طیف گسترده‌ای هستند و معتقدم که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها همواره حسن نظر و حسن نیت داشتند و هدف نهایی‌شان مشترک بوده، اما شیوه‌ها و تاکتیک‌های‌شان متفاوت بوده است. خاتمی در عین حال با بیان اینکه «گاهی در اولویت‌های گروه‌های اصلاح‌طلب تفاوت‌هایی وجود داشته است» ادامه داد: طبیعتاً بر همین اساس تعاریف‌شان از اصلاحات نیز بر اساس این اولویت‌ها متفاوت بوده است. الان برای همه اصلاح‌طلبان فرصت مناسبی است که دقیقاً معنا و مفهوم اصلاحات را مشخص کنند، گرچه معتقدم اصلاح‌طلبان واقعی و خود آقای خاتمی و گروه‌های اصلاح‌طلب معتقد به فعالیت در درون چارچوب قانون اساسی با وجود همه انتقادات جدی در هشت سال گذشته دیدگاه و نظر خود را درباره اصلاحات اعلام کردند. خاتمی تاکید کرد: اصلاح‌طلبان باید در فرصتی که دارند، مبانی نظری دقیق اصلاحات، اولویت‌ها و تاکتیک‌های آن را دقیقاً مشخص کنند تا بدانیم با مردم که می‌خواهیم صحبت کنیم، چه چیزهایی را باید به آنها عرضه بداریم. دبیرکل سابق جبهه مشارکت ایران اسلامی با بیان این‌که مبنای اصل اصلاحات این است که هرکسی بتواند نظر خود را اعلام و دیدگاه خود را به مردم عرضه کند، خاطرنشان کرد: باید فضا را باز کرد تا همه حرف خود را بزنند. اصلاح‌طلبان نیز اگر فکر می‌کنند ایرادی در کارشان بوده آن را برطرف کنند.